



Analyzing the dimensions and components of criminal responsibility of legal entities in Iranian criminal law with an approach to Imam jurisprudence

Amirjavad Laminejad, Isa Bani Naimah, Amir Albuali

Date Received : 15 February 2024 **Date Accepted :** 27 February 2024

Abstract:

The purpose of the current research is to analyze the criminal liability of legal entities in Iran's criminal law with an approach to Imami jurisprudence, in a descriptive-analytical way. Criminal liability of legal entities is one of the important issues of criminal law. There are different approaches in different legal systems. In some systems, legal entities are not considered criminally responsible, while in others, legal entities can be held responsible for criminal acts along with real persons. In Iranian law, the criminal responsibility of legal entities is recognized in the Islamic Penal Law approved in 2012, but this law does not specify the criteria of criminal liability of legal entities precisely. Hence, there are many differences of opinion. In this article, the concept and nature of criminal liability of legal entities is first studied; Then, the criminal liability of legal entities in Iran's criminal law has been examined in comparison with Imami jurisprudence. Finally, the strengths and weaknesses of the criminal liability of legal entities in this legal system have been discussed.

Keywords: Criminal responsibility, legal entities, criminal law of Iran, Imami jurisprudence.



واکاوی ابعاد و مولفه های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران با رویکردی به فقه امامیه

امیر جواد لامی نژاد^۱، عیسی بنی نعیمه^۲، امیر آلبوعلی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران با رویکردی به فقه امامیه، به شیوه توصیفی - تحلیلی است. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، یکی از موضوعات مهم حقوق کیفری است. در نظام های حقوقی مختلف، رویکردهای متفاوتی وجود دارد. در برخی نظام ها، اشخاص حقوقی از نظر کیفری مسئول شناخته نمی شوند، در حالی که در برخی دیگر، اشخاص حقوقی نیز در کنار اشخاص حقیقی می توانند مسئول اعمال مجرمانه باشند. در حقوق ایران، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شده اما این قانون، ضوابط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به طور دقیق مشخص نکرده است. از این رو، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. در این مقاله ابتدا مفهوم و ماهیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مطالعه شده؛ سپس مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران، مورد بررسی تطبیقی با فقه امامیه قرار گرفته است. در نهایت، به نقاط قوت و ضعف مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این نظام حقوقی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، حقوق کیفری ایران، فقه امامیه.

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

laminezhad@yahoo.com

۲- استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسنده مسئول).

baninaeimih@vatanmail.ir

۳- استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

al_boali84@yahoo.com

ایده شخصیت حقوقی ریشه در سنت رم قدیم دارد. در قرن دوازدهم میلادی شخصیت حقوقی کلیسا و متعاقب آن دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها به منظور حمایت از حق مالکیت آنان پذیرفته شد. تشکیل کمپانی «هند شرقی» در اواخر قرن شانزدهم به عنوان نقطه عطف ایجاد شرکت‌های تجاری مدرن توصیف شده است و ایده شخصیت حقوقی مستقل آنان با رأی مجلس اعیان در سال ۱۸۹۷ تقویت گردید. مسئولیت اشخاص حقوقی در جبران خسارات در شبه جرم پیش از قرن نوزدهم پذیرفته شد.^۱ اما واجد مسئولیت کیفری شناخته نمی‌شدند. با این وجود از اواسط قرن نوزدهم و همزمان با گسترش صنایع و شرکت‌ها، دادگاه‌ها به تدریج اقدام به پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی در برابر برخی جرائم نمودند. نخستین گام پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برابر ترک افعالی بود که منجر به مزاحمت عمومی می‌شد.^۲ در گام بعدی، اشخاص حقوقی نسبت به افعال غیر قانونی نیز مسئول شناخته شدند. به علاوه دادگاه‌های انگلستان تا پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی کاملاً با این ایده آشنا بودند که بنابه برخی اهداف کلمه «شخص» در قوانین کیفری می‌تواند شامل اشخاص حقوقی نیز شود. قانون تفسیری ۱۹۸۹ نیز مقرر نمود چنانچه برخلاف آن قصد نشده باشد کلمه «شخص» در قانون نسبت به اشخاص حقوقی نیز اعمال می‌شود. با این وجود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر مبنای اصل کامن‌لایی مسئولیت جانشینی صرفاً نسبت به جرائم قانونی با مسئولیت مطلق پذیرفته شد و به جرائم سنتی نیازمند رکن معنوی همانند قتل و صدمات بدنی تعمیم نیافت. بی‌گمان مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از غامض‌ترین مباحث حقوقی است؛ زیرا در بادی امر مسئولیت کیفری به اشخاص حقیقی واجد جسم و خون و روح معطوف می‌باشد. این که آیا فقدان اوصاف مزبور نزد اشخاص حقوقی با نفی مسئولیت کیفری آن‌ها ملازمه ای دارد، پرسشی است که پاسخ یکسانی به آن داده نشده است.^۳

اصل اختصاصی بودن، نقض اصل شخصی بودن مجازاتها عدم تحقق اهداف مجازات‌ها، عدم امکان بسیاری از مجازاتها عدم قدرت به ارتکاب برخی جرایم از قبیل زنا، تعدد زوجات و شهادت کذب و مشکلات راجع به آیین دادرسی، از جمله دلایل سنتی ارائه شده در مقام مخالفت با مسئولیت کیفری این اشخاص به شمار می‌روند. با این همه مهم‌ترین دلیل مخالفان در رد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ناممکن بودن اسناد تقصیر به آن‌ها است.^۴ از منظر آن‌ها توانایی پذیرش بار تقصیر (قابلیت انتساب) که بر

۱- Wells, 2001:81

۲- See: Todarelo, Vincent; Corporations Don't Kill People- People Do: Exploring The Goals Of The United Kingdom, s Corporate Homicide Bill., New School Law Review, 46, 2003, PP. 856-858.

۳- اردبیلی، محمدعلی، «حقوق جزای عمومی». جلد دوم، چاپ شصت و دوم، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۲، ص ۴۳.

۴- اسکیینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۳، ص ۵۴.

پایه برخورداری فاعل از قدرت ادراک و اراده مستقل استوار است^۱، در موجودات انسانی منحصر بوده و اشخاص حقوقی از آن بی بهره اند. در مقابل، موافقان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با این دیدگاه که ذهن و روان و قوه عاقله سازمان‌ها و اشخاص حقوقی با ذهن و عاقله اشخاص حقیقی بسیار متفاوت است به تفاوت معیارهای انتساب جرم به اشخاص اشاره کرده و بر این باورند که حقوق کیفری نمی‌تواند با همان معیار احراز مسئولیت اشخاص حقیقی مسئولیت اشخاص حقوقی را توجیه کند. اشخاص حقوقی به عنوان قدرت های مدرن امروزی، بسیاری از وسایل و منابعی که برای جامعه ایجاد خطر میکند را در اختیار دارند و از این حیث صدمات گسترده ای به منافع جامعه وارد میسازند پس ایجاب میکند که مسئولیت آنان بر معیاری متمایز و در عین حال موسع تر از معیار اشخاص حقیقی، بنیان گذاشته شود. روح جمعی حاکم بر این اشخاص و خط مشی برخاسته از مدل روند سازمانی فعالیت و مدل سیاستهای بوروکراتیک اقتضا میکند که بر اهداف، نیات، علم و آگاهی اشخاص حقوقی متمرکز شد و آنها را به اعضای انسانی خود تنزل نداد. در خصوص قابلیت ارتکاب جرایم نیز هیچ کس مدعی نیست که اشخاص حقوقی به ارتکاب همه جرایم قادر هستند بدیهی است آن دسته از جرایمی که با سرشت اشخاص طبیعی متناسب هستند از سوی اشخاص حقوقی قابل ارتکاب نباشند.

در این مقاله، به مطالعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران با رویکردی به فقه امامیه پرداخته می‌شود. در این مطالعه، ابتدا به بررسی مفهوم و ماهیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. سپس، شرایط و نحوه اعمال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این نظام حقوقی با فقه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- شخص حقوقی

شخصیت در علم حقوق به معنای موضوع حق و تکلیف، واقع شدن انسان و غیر انسان، مانند شرکت‌های تجاری است^۲. همچنین در بیان شخصیت گفته شده است که، شخصیت حقوقی یا شخصیت به طور اختصار به معنی صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها است^۳. آنچه مسلم است امروز در اجتماع، جمعیتها و موسساتی وجود دارند که دارای، حقوق و تکالیفی هستند که به طور کلی از دارایی، حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده‌اند، مجزا می‌باشند. این گروه‌ها و این جمعیت‌ها دارای شخصیت حقوقی بوده و از مصادیق شخص حقوقی هستند. گروههایی از افراد هستند که قانون برای آنها یک شخصیت حقوقی خاص می‌شناسد و می‌توانند که تمام

۱- پاسبان محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری چاپ هفتم انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴.

۲- حبیبی، خادم حسین، شمس ناتری، محمد ابراهیم. سیر تاریخی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، افغانستان و انگلستان. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره چهارم، شماره چهار، ۱۴۰۰، ص ۱۳.

۳- حبیب زاده، محمد جعفر. اندیشه های حقوقی جلد دوم چاپ اول، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۱.

اعمالی که یک شخص حقیقی در زندگی مدنی انجام می‌دهد، انجام دهند یعنی دارای اموال هستند، آن‌ها می‌توانند مالک شده یا طلبکار و یا بدهکار شوند، قرارداد ببندند و هدیه قبول نمایند، به مراجع قضایی شکایت ببرند یا علیه آن‌ها در این مراجع شکایت شود^۱. از همین رو، شخص حقوقی چنین تعریف شده است. «شخص حقوقی عبارت از گروهی از افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی است که قوانین موضوعه آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشند که از جمله اشخاص حقوقی می‌توان به شرکت‌های تجاری اشاره کرد». به استناد ماده ۵۸۸ قانون تجارت، «شخص حقوقی می‌تواند دارای تمامی حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع، فقط انسان ممکن است دارای آن باشد. همچون حقوق و وظایف ابوت و بنوت». شخصیت حقوقی نیز حالت تشخیص شخص حقوقی است، از این حیث که موضوع حق و تکلیف قرار دارد. اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی به وجود می‌آیند، زندگی می‌کنند و می‌میرند. در حقیقت، به وجود آمدن آن‌ها، تشکیل و ثبت قانونی آن‌ها است. زندگی و حیاتشان، همان فعالیت است که برای رسیدن به اهداف خاص خود عهده‌دار آن می‌شوند همچنین م رگ اشخاص حقوقی، انحلال آن‌ها است^۲. همچنین در تعریف شخص حقوقی گفته شده است، اجتماع سازمان یافته از اشخاص یا اموال برای دستیابی به هدف مشترک در قالب قانونی است^۳.

اشخاص حقوقی دو دسته اند: اشخاص حقوق خصوصی و عمومی. اشخاص حقوقی خصوصی به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: گروه اول شرکت‌های تجاری و گروه دوم موسسات غیر تجاری که انجمن‌ها و سندیکاها از جمله گروه دوم محسوب می‌شوند. اشخاص حقوقی حقوق عمومی نیز که به آن‌ها اشخاص عمومی هم گفته می‌شود، در دکتترین حقوق اداری بدین ترتیب دسته بندی می‌شوند: اول، دولت: که نه تنها بزرگترین شخصیت حقوقی حقوق عمومی، بلکه بزرگترین شخصیت حقوقی هر کشور است. دوم، موسسات عمومی مستقل: که این موسسات، واحدهایی هستند که از تابعیت مستقیم دولت خارج شده و شخصیت حقوقی متمایز از شخصیت حقوقی دولت پیدا کرده‌اند^۴. موسسات مزبور امور اداری و مالی خود را مستقلاً و بدون دخالت دولت اداره می‌کنند و از این جهت دارای اموال، بودجه، حقوق و تکالیف مشخص هستند و می‌توانند برای دفاع از حقوق و منافع خود علیه اشخاص دیگر، در دادگستری اقامه دعوا یا از دعاوی مطروحه دفاع کنند^۵.

۱- رضائی زاده، محمد جواد، حقوق اداری یک، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۴۴.

۲- جعفری، مجتبی مبانی و اصول کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱.

۳- امامی، محمد، حقوق اداری، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۴۸.

۴- وزیري و ساریخانی، ص ۳۸۶.

۵- رضایی زاده، محمد جواد، حقوق اداری یک، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۴۴.

لذا شخص حقوقی به ماهیت وجودی اعتباری گفته می‌شود که زنده نیست و انسان هم نمی‌باشد که به صورت مستقل طرف حق واقع شود. ممکن است این ابهام پیش آید که آیا شخص حقیقی که هم انسان است و هم زنده، نمی‌تواند دارای شخصیت حقوقی باشد؟! چنین است که این فرد، دارای شخصیت حقوقی می‌باشد، نه اینکه شخص حقوقی باشد. شخصیت حقوقی با شخص حقوقی بسیار متفاوت است. در تأیید همین گفتار، در ویکی‌پدیای انگلیسی برای «Legal Personality» نوشته است به معنای «شخصیت حقوقی»، نه «شخص حقوقی». پس شخص حقوقی به شرکت‌ها، نهادها و مؤسساتی گفته می‌شود که به صورت مستقل دارای حقوق و تکالیفی شوند و محدودیت‌ها و تشریفاتی بر آن‌ها تحمیل گردد تا در فرجام، مصلحت اشخاص حقیقی بهره مند از این شخص حقوقی مراعات شود. پس وجود شخص حقوقی و شخصیت آن، به اعتباری است که ناشی از دیدگاه‌های فلسفی حقوقی می‌باشد. مفهوم شخصیت حقوقی و نمادهای آن از همان گام نخستین تقنین، مورد اهتمام نظام حقوقی ایران واقع شده است. افزودنی است در این نظام برای پدید آوردن شخصیت حقوقی بر حسب نوع آن، شیوه و معیارهای گوناگون پیش بینی شده که از آن میان میتوان ملاکهای دولتی و غیر دولتی، عمومی و خصوصی بازرگانی و غیر بازرگانی را نام برد؛ که ملاک اخیر با توجه به این حقیقت که شرکتهای تجاری در حوزه حقوق خصوصی مدنظر بوده و شرکت‌های دولتی همانند دیگر نهادهای دولتی مشمول احکام ویژه خود می‌باشند، مناسب ترین ملاک برای این منظور به شمار می‌رود.^۱ بر این پایه می‌توان شخص حقوقی را عبارت از دسته ای از افراد انسانی یا مؤسسه ای از مؤسسات تجاری یا خیریه و امثال آن‌ها دانست. که قانون به آن‌ها اعطای شخصیت کرده است تا همچون انسان - تا آنجا که میسر است - حقوق و تکالیف پیدا کنند.^۲

۲- مفهوم و ماهیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

۶۷

از نگاه مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، توسل به زرادخانه کیفری و استفاده از سلاح مجازات، متعاقب فعالیت مجرمانه‌ی اشخاص حقوقی، آنگاه موجه می‌نماید که در حق اشخاص حقیقی قابل سرزنشی چون مدیران اشخاص حقوقی که ارکان تصمیم‌گیر و ترسیم‌کننده‌ی خط مشی آن‌ها هستند، به موقع اجرا گذاشته شود و نه اشخاص حقوقی که به دلیل اعتباری بودن، نه روحی برای سرزنش شدن دارند و نه جسمی برای حبس شدن یا تنبیه گردیدن! با این وجود، به تبع انقلاب صنعتی و سپس فرآیند خصوصی سازی، رویکرد مزبور از قرن بیستم، به‌ویژه از اواخر آن به این سو، رو به تضعیف گذاشت. چه، پدیده‌هایی چون انقلاب صنعتی و سپس

۱- پاسبان محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری چاپ هفتم انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴.

۲- رفیع زاده، علی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی، پایاننامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۲، ص ۱۶۴.

خصوصی سازی، تعداد و نقش اشخاص حقوقی را در بعدهای مختلف زندگی اجتماعی افزون، و در عمل به قدرت‌های مدرن اجتماعی مبدل ساخت.^۱

ارتکاب جرم از طرف تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مستلزم تحقق ارکان مادی و معنوی آن جرم است؛ لکن همان‌گونه که می‌دانیم، اشخاص حقوقی وجود عینی و ملموس ندارند تا بتوانند به این اعتبار رکن مادی جرم را مرتکب شوند و رکن معنوی جرم را دارا باشند. حقوق کیفری بر یک رویکرد فردگرایانه‌ی مسئولیت اتکا دارد. علت وجودی حقوق کیفری، تعاریف و ارکان جرم، مسئولیت کیفری و عوامل تأثیرگذار بر آن و کیفیت اجرایی مقررات کیفری از جمله حوزه‌هایی هستند که به شدت متأثر و در معرض تحلیل فردی قرار دارند.^۲ طبعاً در این رویکرد، انتساب جرم به شخص حقوقی و طرح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با موانع جدی روبرو خواهد بود. لکن مهم‌ترین مانع در این راه، مسئله اسناد تقصیر است. اسناد تقصیر به اشخاص حقوقی دشوار است. مایکل مور دلیل آن را استلزام دو اصل عقلانیت و استقلال فردی در اسناد تقصیر می‌داند.^۳

لکن باید اذعان داشت در مورد اشخاص حقوقی، تکیه بیش از حد بر تقصیر فردی و خطاهای انسانی، منطقی نمی‌نماید. تحلیل ساختاری اشخاص حقوقی بر رویکرد فردگرایانه در مورد آن‌ها اولویت دارد؛ زیرا هرچقدر خطاهای انسانی اجتناب‌ناپذیر تلقی شوند، حقیقت این است که حوادث زیان‌بار در عرصه فعالیت اشخاص حقوقی به ندرت محصول اشتباهات فردی هستند، بلکه بیشتر آن حوادث در زنجیره علیت خود، عوامل بسیار پیدا و پنهانی دارند که باید با دقت مورد توجه قرار گیرند.^۴ به عبارت دیگر، در ایجاد این حوادث و وقوع جرایم در اشخاص حقوقی، قصور یا خطای فردی در مقایسه با نارسایی‌های دیگر، مانند قصورهای نامحسوس مدیریتی و ارتباطی، نارسایی روش‌ها، سازمان پیچیده و متداخل و مانند آن، از اهمیت زیادی برخوردار نیست، لذا توجه به شرایط یا ساختاری که حوادث در آن اتفاق افتاده، مهم‌تر است.

با وجود موانعی که پیرامون اسناد جرم به شخص حقوقی و مسئولیت کیفری آن وجود دارد، نظام‌های کیفری مختلف روش‌های متفاوتی برای حل آن ارائه کرده‌اند. در برخی کشورها مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بر اساس نظریه «مغز متفکر» تعیین نموده‌اند؛ یعنی عمل ارکان و نمایندگان اصلی شخص حقوقی را به منزله عمل شخص

۱- روح الامینی، محمود، دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه، مجله فقه و حقوق سال چهارم شماره ۱۶، سال ۱۳۹۶، ص ۳۳.

۲- عبداللهی، اسماعیل، درسهایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

۳- برای مطالعه بیشتر رک Moore 1985: 23

۴- طباطبایی موتمنی، منوچهر، شخصیت حقوقی، مجموعه مقالات تحولات حقوق خصوصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۹۵.

حقوقی دانسته و جرم را به شخص حقوقی نسبت می‌دهند. این نظریه مبتنی بر دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی است و برای اشخاص حقوقی به‌خودی‌خود و بی‌واسطه قائل به مسئولیت کیفری نیست و بر این فرض مبتنی است که اشخاص حقوقی، از طریق نمایندگان فردی خود مرتکب جرم می‌شوند، لذا به دنبال احراز تقصیر کیفری فردی و انتساب آن به شخص حقوقی است. به این نظریه، نظریه شناسایی هم گفته شده است.^۱ این رویکرد در تعقیب شرکت‌های بزرگ که ساختار پیچیده و گسترده‌ای دارند مشکل‌ساز می‌شود؛ به این ترتیب که نمی‌توان شخص خاصی را مورد شناسایی قرار داد که عناصر متشکله جرم را مرتکب شده باشد. محدودیت دیگر این نظریه آن است که اجرای آن فقط هنگامی ممکن است که مغز متفکر یا همان رکن و نماینده اصلی در حال انجام وظیفه مدیریتی خود باشد؛ بنابراین اگر مدیر شرکت در حین رانندگی کسی را زیر بگیرد، از آنجاکه رانندگی از جمله وظایف مدیریتی به شمار نمی‌رود، شرکت مسئول نخواهد بود.

۳- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران

در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران، ضابطه پذیرش مسئولیت کیفری به صورت کلی ذکر شده و جرایمی که توسط این اشخاص قابل ارتکاب است، احصاء نشده و ظاهراً قاعده مسئولیت کیفری عام مورد پذیرش قرار گرفته است. لکن با بررسی عمیق‌تر می‌توان برخی از جرایم را از شمول جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی جدا کرد. قانون‌گذار جرایم را با توجه به مجازات آن‌ها در کتاب‌های مختلف قانون مجازات اسلامی تقسیم‌بندی کرده است، حدود در تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰، جزء مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی ذکر نشده‌اند؛ بنابراین جرایم مستوجب حد از شمول جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی خارج خواهند بود. این امر با توجه به ماهیت فردمدارانه جرایم موجب حد و مجازات‌های قابل اعمال بر آن‌ها (رجم، قتل، شلاق و...) طبیعی است. بنابراین جرایم تعزیری و قتل و صدمات بدنی عمدی و غیرعمدی جرایمی هستند که می‌توان اشخاص حقوقی را به ارتکاب آن‌ها محکوم نمود. بدیهی است در محدوده جرایم تعزیری هم باید به ماهیت اشخاص حقوقی توجه کرد، چه‌بسا بعضی جرایم به علت ماهیت فردمدارانشان با ماهیت اشخاص حقوقی سازگار نبوده و قابل انتساب به آن‌ها نباشند. مثل جرایم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی مذکور در فصل نوزدهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که ماهیتی فردمدارانه دارند.

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و تأکید این قانون روی اهلیت کیفری اشخاص حقوقی در خصوص جرائم مشمول تعزیر، مسئولیت کیفری نیز نسبت به این

۱- سیدفرید موسوی مجاب، علی رفیع زاده، دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم شماره سیزدهم، ۱۳۹۴، ص ۲۱.

اشخاص به رسمیت شناخته شد. به رسمیت شناخته شدن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال عموم جرائم مشمول عنوان تعزیر، نقطه پایانی بود بر اختلافات علمی در خصوص پذیرش و عدم پذیرش مسئولیت این افراد که سالهای زیادی به‌عنوان یکی از موضوعات چالشی در عرصه حقوق کیفری ایران بود.

۴- قواعد اثبات کننده مسئولیت کیفری شخص حقوقی در فقه امامیه

به طور کلی مبانی فقهی که می‌تواند در این زمینه قابل استفاده باشد، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. دسته نخست، مبانی فقه سنتی و دسته دوم، مبانی فقه حکومتی است.

مبانی فقه سنتی فقه سنتی را میتوان در مقابل فقه حکومتی استعمال کرد. به بیان دیگر یکی دیگر از تقسیمات فقه که ناظر بر روش استنباط فقهی، تقسیم فقه به فقه حکومتی و فقه سنتی است. البته باید در نظر داشت که تعارضی میان این دو روش وجود ندارد و در غالب موارد استنباط در فقه حکومتی، نتیجه یکسان با فقه سنتی دارد، لکن فقه حکومتی در مواردی با نگاه اجتماعی که بر آن حاکم بوده، ممکن است نتایجی در پی داشته باشد که در فقه سنتی قابل قبول نمیباشد. به هر حال برخی مبانی وجود دارد که در فقه سنتی چندان مورد توجه قرار نگرفته و فقه حکومتی به آن‌ها توجه و التفات دارد؛ از اینرو ممکن است به نتایجی برسد که با مبانی فقه سنتی قابل دستیابی نیست. در ادامه ابتدا به مبانی که فقها از دیرباز در آثار خود به آن‌ها استدلال کرده‌اند اشاره میکنیم و پس از آن به مبانی فقه حکومتی که در این مبحث کارایی دارد، خواهیم پرداخت.

۱-قاعده «الراضی بعمل قوم کالداخل فیهم» قاعده «الراضی بعمل قول کالداخل فیهم» یکی از قواعدی است که در لسان امامیه با این عبارت به کار می‌رود. این مبنا در برخی از روایات همچون روایتی از امام علی علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام نقل شده است. فقها در موارد گوناگون به این قاعده استناد کرده‌اند. برای مثال در بحث شنیدن غیبت حرام یا بیع فضولی و امر به معروف گفته‌اند که هر کسی که راضی به عملکرد گروهی باشد گویا یا آن رفتار را مرتکب شده است و احکام آن بر وی بار خواهد شد. برای مثال اگر کسی در محفلی که از دیگری غیبت می‌شود، حضور داشته باشد و به عمل غیبت کننده راضی باشد، او نیز عمل حرام غیبت را مرتکب شده است؛ چراکه قاعده آن آن است که هرکس به عمل او راضی باشد، داخل در آن‌هاست. در برخی از روایتها آمده است که وقتی امام زمان علیه‌السلام ظهور کند، فرزندان بنیامیه را مطابق جنایات و نقشی که پدرانشان در روز عاشورا داشته‌اند، مجازات خواهد کرد. وقتی راوی از امام صادق علیه‌السلام دلیل این امر را می‌پرسد، امام می‌فرماید سبب مجازات شدن آن‌ها این است که به کردار پدرانشان رضایت داشتند. از این عبارت استفاده می‌شود که راضی بودن به یک عمل حرام، خود حرام است و موجب میشود احکام آن عمل حرام به شخص راضی نیز سرایت کند. در همین خصوص برخی فقها گفته‌اند «ان الراضی بعمل قوم کالداخل

فیهم فانه کالداخل حکما لا ان الفعل صدر منه بالرضا الاحق»^۱ (۰). یعنی شخص راضی به عمل یک قوم همانند مرتکب آن عمل است و این دخول از جهت حکم می‌باشد، نه از جهت آنکه فعل از سوی راضی صادر شده است. بر همین مبنا استفاد از عبارت مذکور آن است که صرف رضایت در برابر عملی موجب تعمیم آثار آن نسبت به شخص راضی می‌گردد. درخصوص تسری آثار این قاعده مبتنی بر رضایت دو نظریه در فقه امامیه وجود دارد: - صرف رضایت برای تحقق عمل کافی است.^۲ علاوه بر رضایت درونی، باید شخص راضی اقدامی در جهت رضایت نفسانی برداشته باشد. برای مثال زمانیکه شخصی غیبت می‌کند و دیگری آن را استماع مینماید، افزونبر آنکه رضایت درونی به محتوای غیبت دارد، برای مثال برای غیبت کننده دست بزند یا آن را به نحو دیگری تشویق کند.^۳ صاحب جواهر، فقیه پرآوازه امامیه می‌نویسد: «معقول نیست که امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به قلب باشد؛ چراکه چنین چیزی امر و نهی به شمار نمی‌آید. همانطور که اگر کسی در دل از چیزی خوش یا بدش بیاید را امر و ناهی محسوب نمی‌کنند. خوش آمدن و بد آمدن در قلب از توابع ایمانی به دستوراتی است که پیامبر (ص) آورده است؛ پس باید در مرتبه نخست امر به معروف و نهی از منکر، چیز دیگری هم مدنظر قرار گیرد که امر و نهی به حساب آید و آن ابراز عدم رضایت به شکلی از اشکال مانند اعراض و اظهار کراهت و مانند آن است» به‌هرحال چنین به نظر می‌آید که منظور از این روایات که بیان شد، رضایت در مقام عمل باشد. یعنی رضایتی که در عمل ظهور و بروز یافته و در عالم خارج اثری به جای می‌گذارد. برای مثال کسی که می‌شنود فردی مرتکب کار ناپسندیدی شده است، بر او واجب است که در نهی از منکر و اظهار برائت از عمل شخص بکوشد. اما اگر نشانه‌های رضایتمندی و خشنودی به آن عمل در وی آشکار بود، او نیز شریک جرم محسوب شده و قوم صالح و نسل قاتلان امام حسین علی‌ه‌السلام همین گونه هستند و بر همین مبنا است که قانونگذار در ماده ۳۴۳ قانون تعزیرات و ماده ۱۵ قانون ارتقای سلامت نظام اداری مصوب ۱۳۵۴، اشخاصی که جرائم مندرج در ماده را حسب وظیفه خود گزارش نمی‌نمایند، مجازات کرده است، زیرا قانونگذار شخصی که متوجه ارتکاب جرم در مجموعه تحت فعالیت خود میشود و آن را گزارش نمی‌دهد، رضای به فعل مجرمانه تلقی کرده است. آنچه بیان شد، عبارت از این است که روایت مذکور، قابلیت‌تطبيق با شخص حقوقی است، لکن برای اثبات این مدعا باید به دو پرسش پاسخ داد. نخست آنکه دلیلی که ثابت کند این عبارت موجب تسری حکم به شخص حقوقی است، چیست؟ و دوم آنکه شخص حقوقی چگونه می‌تواند رضایت خود را به عمل خاصی اظهار و ابراز نماید؟ در مورد پرسش نخست باید گفت که صحیحه ابوصلت هروی، دارای عمومیت است، زیرا موصول عموم را افاده کرده و براساس اصل عموم که

۱- نائینی: ۲۱۲/۱.

۲- امام خمینی، ۰۰۱/۱.

۳- منتظری، ص ۵۹۵.

در اصول ثابت شده است، می‌توان شخص حقوقی را نیز داخل در آن دانست. به همین جهت می‌توان گفت اگر شخص حقوقی به عملی راضی باشد، به‌مثابه آن است که آن عمل را انجام داده است!

نتیجه گیری

قانون‌گذار ایران در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، با قراردادن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر اساس نظریه مغز متفکر، این نهاد را به‌صورت مضیق پذیرفته است. قانون‌گذار در پذیرش این نهاد و در تنظیم ماده ۱۴۳ تحت تأثیر قانون جزای فرانسه بوده است. البته پذیرش نظریه مغز متفکر تنها در مورد مجازات‌های تعزیری است؛ لکن در مورد دیه، قانون‌گذار موسع عمل کرده و به‌نوعی نظریه دیگر یعنی نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما را لحاظ کرده است. به نظر می‌رسد در مجموع رویه قانون‌گذار در این زمینه قابل دفاع باشد. با توجه به این‌که تا به حال نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی نبوده است، در زمینه مجازات‌های تعزیری با احتیاط عمل شده و آنجا که پای دیه و خسارت در میان است، دست قاضی را برای صدور حکم به محکومیت شخص حقوقی باز گذاشته است. آنچه قابل ایراد است، آن‌که قانون مجازات اسلامی در مواد مربوطه در این زمینه ابهامات و اجمالاتی دارد که عمل به آن را سخت می‌کند. لذا انتظار می‌رود در جهت رفع این نواقص اقداماتی انجام شود. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که مسئولیت اشخاص حقوقی، در حقوق ایران، انگلستان و فقه، دارای اشتراکات و تفاوت‌هایی است. یکی از اشتراکات این سه نظام حقوقی، پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی برای خساراتی که در اثر اعمال نماینده قانونی آن، به دیگری وارد می‌شود. یکی از تفاوت‌های این سه نظام حقوقی، این است که در حقوق ایران و انگلستان، مسئولیت اشخاص حقوقی، به طور صریح، در قانون پیش‌بینی شده است، اما در فقه، مسئولیت اشخاص حقوقی، به طور صریح، پیش‌بینی نشده است.

فهرست منابع:

۱. اردبیلی، محمدعلی، «حقوق جزای عمومی». جلد دوم، چاپ شصت و دوم، نشر میزان، تهران ۱۴۰۲
۲. استفانی گاستون و لواسور ژرژ و بولوک برنار، حقوق جزای عمومی چاپ دوم، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۸۳.
۳. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، جلد اول، چاپ نوزدهم. ۱۳۹۳.
۴. پاسبان محمدرضا. حقوق شرکتهای تجاری چاپ هفتم انتشارات سمت. ۱۳۸۹.
۵. حبیبی، خادم حسین، شمس ناتری، محمد ابراهیم. سیر تاریخی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، افغانستان و انگلستان. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره چهارم، شماره چهار. ۱۴۰۰.
۶. حبیب زاده، محمد جعفر، اندیشه های حقوقی جلد دوم چاپ اول، انتشارات نگاه بینه. ۱۳۹۱.
۷. جعفری، مجتبی، مبانی و اصول کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم. ۱۳۹۵.
۸. رضایی زاده، محمد جواد، حقوق اداری یک، چاپ اول، تهران، نشر میزان. ۱۳۸۵.
۹. رفیع زاده، علی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی، پایاننامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۲.
۱۰. روح الامینی، محمود، دگرگونی های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه، مجله فقه و حقوق سال چهارم شماره ۶۱ - ۱۳۸۶.
۱۱. عبداللهی، اسماعیل، درسهایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظامهای حقوقی ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی. ۱۳۸۹.
۱۲. طباطبایی مومنی، منوچهر، شخصیت حقوقی، مجموعه مقالات تحولات حقوق خصوصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۱.
۱۳. سید فرید موسوی مجاب، علی رفیع زاده، دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم شماره سیزدهم. ۱۳۹۴.
۱۴. شایگان، علی، حقوق مدنی ایران جلد اول چاپ پنجم چاپ پنجم، خانه مجلس. ۱۳۹۳.